گونه شناسی تحلیلی روایات جری (مورد مطالعه: سوره نساء)
محمدهادی قهاری کرمانی
علمی - پژوهشی
فصلنامهٔ تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه
سال بیست و سوم، شمارهٔ ۹۱ «ویژهٔ پژوهش‌های قرآنی»، تابستان ۱۴۰۵، ص ۱۱۳-۱۲۷

گونه شناسی تحلیلی روایات جری (مورد مطالعه: سوره نساء)

محمدهادی قهاری کرمانی[1]

چکیده: در بسیاری از روایات، مفاد آیات قرآن بر مصادیقی غیر از مورد نزول آیه تطبیق شده است. از این روایات تحت عنوان روایات جری نام برده می‌شود. این ویژگی قرآن که از آن به قاعده جری و تطبیق یاد می‌شود، ضامن جاودانگی قرآن است. از آن جا که از یک سو در منابع روایی، روایات جری- که در زمره روایات تأویلی به شمار می‌روند- از روایات تفسیری جداسازی نشده، و از سوی دیگر، مصادیقی که آیات قرآن بر آنها تطبیق شده‌اند، انواع گوناگونی دارند، از این رو، استخراج روایات جری از بین روایات تفسیری و گونه شناسی آنها اهمیت و ضرورت می‌یابد. این پژوهش به گونه شناسی و تحلیل روایات جری در سوره نساء پرداخته است. لذا ابتدا روایات جری از بین روایات تفسیری سوره یادشده استخراج و مورد تحلیل قرار گرفت و با روش توصیفی- تحلیلی مشخص شد که روایات جری در سوره مذکور به شش گونه قابل تقسیم هستند که عبارت‌اند از: یک: روایات بیان کننده مصداق اطلاق یا عموم آیه در زمان نزول؛ دو: روایات بیان کننده مصداق اطلاق یا عموم آیه در گذر زمان؛ سه: روایات بیان کننده مصداق اتمّ اطلاق یا عموم آیه در زمان نزول؛ چهار: روایات بیان کننده مصداق اتمّ اطلاق یا عموم آیه در گذر زمان؛ پنج: روایات بیان کننده مصداق باطنی آیه در زمان نزول؛ شش: روایات بیان کننده مصداق باطنی آیه در گذر زمان.

کلیدواژه‌ها: جری، تطبیق، قاعده جری و تطبیق، روایات جری، انواع جری و تطبیق، سوره نساء.

---

* دریافت: ۱۴۰۵/۰۲/۱۹؛ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۴/۰۵.

۱. محمدهادی قهاری کرمانی، دانشیار گروه معارف اسلامی دانشگاه شهیدباهنر کرمان.

۱. طرح مساله

از ویژگی‌های قرآن کریم جاودانه بودن آن است؛ زیرا سند کامل‌ترین ادیان آسمانی است که ناسخ تمام ادیان پیشین بوده و پاسخ گوی نیازهای بشریت در طول اعصار و قرون تا قیامت خواهد بود. معارف قرآن مختص به عصر مخصوصی نیست . قرآن آنچه را فضیلت می‌خواند در همه ادوار بشری، فضیلت است و آنچه را رذیلت و ناپسند می‌شمرد، همیشه ناپسند و زشت است؛ همچنین آنچه از احکام عملی تشریع می‌کند، مخصوص عصر نزول و اشخاص آن عصر نیست، بلکه تشریعی است عمومی، جهانی و ابدی. بیانات قرآن عمومیت داشته و تعلیل‌های آن مطلق است؛ برای نمونه، مدح یا مذمتی که در حق جمعی از مؤمنان یا کافران وارد شده و معلل به وجود صفاتی خاص در آنها است -در صورتی که همان صفات را در دیگران نیز می‌یابیم - نباید مخصوص همان افراد دانست؛ بنابراین اگر در شأن نزول آیات، روایاتی آمده است که مثلاً می‌گوید آیه‌ای بعد از فلان جریان نازل شده، یا آیاتی درباره شخص یا واقعه‌ای خاص نازل شده است، نباید حکم آیه را مخصوص آن واقعه و آن شخص بدانیم؛ زیرا اگر این گونه فکر کنیم باید بعد از انقضای آن واقعه یا مرگ آن شخص، حکم آیه قرآن نیز ساقط شود، حال آن که حکم آیه، مطلق است . (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۴۲/۱) پس قرآن کتابی است که در غایب همانند حاضر، جاری است و بر حال و آینده همانند گذشته، جاری و منطبق می‌شود. همه احکام، قوانین، اوصاف و ویژگی‌های آن فراتر از مرزهای مکانی و زمانی است. از این ویژگی قرآن کریم در روایات به «جری » تعبیر شده است. (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۱۶۷/۱)

در بسیاری از روایات، مفاد آیات قرآن بر مصادیقی غیر از مورد نزول آیه تطبیق شده است. از این روایات، تحت عنوان روایات جری نام برده می‌شود. از آن جا که از یک سو در منابع روایی، روایات جری - که در زمره روایات تأویلی به شمار می‌روند- از روایات تفسیری، جداسازی نشده و از سوی دیگر مصادیقی که آیات قرآن بر آنها تطبیق شده است، انواع گوناگونی دارند، از این رو، استخراج روایات جری از بین روایات تفسیری و گونه شناسی

آنها اهمیت و ضرورت می‌یابد. سؤال اصلی این پژوهش آن است که روایات جری در سوره نساء به چه گونه‌هایی قابل تقسیم اند؟ در راستای تحقق پاسخ به سؤال مذکور، ابتدا روایات جری از بین روایات تفسیری سوره یادشده استخراج و مورد مطالعه قرار گرفت و پس از تحلیل آنها، گونه‌ها و انواع مختلف این روایات کشف گردید که در ادامه به شرح آنها پرداخته خواهد شد.

۲. پیشینه تحقیق

در مقاله دیگری از نگارنده به تحقیقات صورت گرفته در زمینه «قاعده جری و تطبیق» اشاره شده است. (ر.ک: قهاری کرمانی، ۱۴۰۳: ۸۷-۸۸) اما در زمینه «گونه شناسی روایات جری» پژوهش‌های ذیل به عنوان پیشینه قابل ذکر هستند:

مقاله «گونه شناسی تحلیلی روایات جری» روایات جری را در شش گونه طبقه بندی کرده و به تحلیل هر یک از آن‌ها پرداخته است. (ر.ک: قهاری کرمانی، ۱۴۰۲الف: ۱۸۶-۲۰۶) در مقاله «گونه شناسی تحلیلی جری و تطبیق از دیدگاه علامه طباطبایی» روایاتی که علامه طباطبایی بر آن‌ها جری و تطبیق اطلاق نموده، دسته بندی و تحلیل شده است. (ر.ک: قهاری کرمانی، ۱۴۰۲ب: ۲۵۱-۲۷۴) مقاله «گونه شناسی تحلیلی روایات جری در نهج البلاغه» به گونه شناسی و تحلیل موارد جری و تطبیق در نهج البلاغه پرداخته است. (ر.ک: قهاری کرمانی، ۱۴۰۲ج: ۱۷۰-۱۷۸) و مقاله «گونه شناسی تحلیلی روایات جری (مورد مطالعه: سوره آل عمران) » به گونه شناسی و تحلیل روایات جری در سوره آل عمران پرداخته است. (ر.ک: قهاری کرمانی، ۱۴۰۳: ۹۰-۹۹)

نوآوری مقاله حاضر در این است که روایات جری از بین روایات تفسیری سوره نساء استخراج و گونه‌های آنها تحلیل شده است.

۳. جری و تطبیق در لغت و اصطلاح

۳-۱. جری و تطبیق در لغت

جری به معنای روان شدن، جریان داشتن و حرکت منظم در طول زمان است؛ از این

رو، این واژه برای حرکت کشتی، حرکت خورشید، وزیدن باد، دویدن اسب و روان شدن آب استفاده می‌شود. (ر. ک: جوهری، ۱۴۰۷: ۲۳۱۰/۶؛ فراهیدی، ۱۴۱۰: ۱۷۴؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۹۴؛ ابن منظور، ۱۴۰۸: ۱۴۰/۱۴) تطبیق از ریشه «طبق» به معنای قرارگرفتن دوچیز برهم و هم پوشانی کامل آن دو بر یکدیگر است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۱۶؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۲۰۴/۵؛ مصطفوی، ۱۳۶۰: ۷۷/۲)

۲-۳. جری و تطبیق در اصطلاح

علامه طباطبایی در تعریف جری چنین نگاشته است: «مقصود از جری این است که قرآن شریف از حیث انطباق بر مصادیق، وسعت داشته و به موارد نزول آیات اختصاص ندارد، بلکه در هر موردی که به لحاظ ملاک با مورد نزول متحد باشد، جاری می‌گردد؛ مانند مَثَل‌هایی که خاص موارد اولیه نیستند، بلکه در هرچیز که مناسبتش محفوظ باشد، جاری می‌شوند.» (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۶۷/۳)

مراد علامه از مصداق، «ما ینطبق علیه المفهوم» است که هم شامل مصداق عینی خارجی و هم شامل مفاهیم فراگیری که مفاهیم دیگری را در بر می‌گیرد، می‌شود. (نفیسی، ۱۳۹۲: ۸) بنابراین جری به معنای جریان داشتن قرآن است که از لوازم این جریان آن است که بر مصادیق جدیدی غیر از مورد نزول آیه، تطبیق می‌کند؛ خواه این مصادیق از مصادیق معنای ظاهری آیه باشند و یا از مصادیق معنای باطنی آن.

۴. انواع روایات جری در سوره نساء

صاحب این قلم در اثری دیگر به گونه شناسی تحلیلی روایات جری پرداخته است که حاصل آن پژوهش این شد که روایات جری دارای شش گونه متفاوت هستند. به دیگر سخن، روایات جری به دو گونه کلی قابل تقسیم هستند که عبارت‌اند از: یک: روایات بیان کننده مصداق معنای ظاهری آیات؛ دو: روایات بیان کننده مصداق معنای باطنی آیات. گونه یکم به چهار نوع دیگر تقسیم می‌شودکه عبارت‌اند از: یک: روایات بیان کننده مصداق اطلاق یا عموم آیات در زمان نزول؛ دو: روایات بیان کننده مصداق اطلاق یا عموم

آیات در گذر زمان؛ سه: روایات بیان کننده مصداق اتمّ اطلاق یا عموم آیات در زمان نزول؛ چهار: روایات بیان کننده مصداق اتمّ اطلاق یا عموم آیات در گذر زمان. گونه دوم به دو نوع دیگر تقسیم می‌شود که عبارت‌اند از: یک: روایات بیان کننده مصداق باطنی آیات در زمان نزول؛ دو: روایات بیان کننده مصداق باطنی آیات در گذر زمان. (ر. ک: قهاری کرمانی، ۱۴۰۲ الف: ۱۹۱-۲۰۳) در ادامه به استخراج و تحلیل گونه‌های روایات جری در سوره نساء پرداخته خواهد شد.

۴-۱. روایات بیان کننده مصداق اطلاق یا عموم آیه در زمان نزول

در بسیاری از آیات قرآن واژه‌ها یا عباراتی به صورت مطلق یا عام آمده است که بر مصادیق متعددی غیر از مورد نزول آیه قابل تطبیق هستند. در روایات متعددی که ذیل این گونه از آیات نقل شده به بیان مصداق اطلاق یا عموم آیه در زمان نزول آیه پرداخته شده است. منظور از مصداق اطلاق یا عموم آیه در زمان نزول این است که مصداق اطلاق یا عموم آیه، در زمان نزول آیه، موجود بوده است؛ اگرچه ممکن است در دوران‌های پس از زمان نزول آیه، مصادیقی در گذر زمان نیز به وجود آید که مشابه مصادیق آیه در زمان نزول باشند. (قهاری کرمانی، ۱۴۰۲ب: ۲۶۰) اینک به بیان این گونه از روایات جری در سوره نساء پرداخته خواهد شد.

از ابن عباس درباره آیه «فَأُوْلَئِکَ مَع الَّذِینَ أَنْعمَ اللهُ علَیْهِم مِّنَ النَّبِیِّینَ وَ الصِّدِّیقِینَ وَ الشُّهَدَاء وَ الصَّالِحِینَ وَ حَسُنَ أُولَئِکَ رَفِیقًا» (نساء: ۶۹) چنین روایت شده است: «منظور از صالحین، سلمان و ابوذر و مقداد و عمار و بلال و خباب است.» (حسکانی، ۱۴۱۱: ۱/۱۹۶)

واژه «الصَّالِحِینَ» در آیه ۶۹ نساء، جمع محلّی به الف و لام و عام بوده و همه صالحان را در بر می‌گیرد؛ اما در روایت فوق بر سلمان، ابوذر، مقداد، عمار، بلال و خباب تطبیق شده است؛ بنابراین جری در این روایت از نوع مصداق عموم آیه در زمان نزول به شمار می‌رود.

۴-۲. روایات بیان کننده مصداق اطلاق یا عموم آیه در گذر زمان

منظور از مصداق اطلاق یا عموم آیه در گذر زمان، مصادیقی از معنای ظاهری آیه است که در دوران نزول آیه وجود خارجی نداشتند، بلکه این مصادیق در دوران‌های پس از نزول آیه، محقق شده اند. در ادامه به ذکر این گونه روایات در سوره نساء پرداخته خواهد شد.

یک: از امام صادق علیه‌السلام درباره آیه «فَأُوْلَئِکَ مَع الَّذِینَ أَنْعمَ اللهُ علَیْهِم مِّنَ النَّبِیِّینَ وَالصِّدِّیقِینَ وَالشُّهَدَاء وَالصَّالِحِینَ وَحَسُنَ أُولَئِکَ رَفِیقًا» (نساء: ۶۹) روایت شده که فرمود: «منظور از صالحین، شما شیعیان هستید. » (کوفي، ۱۴۱۰: ۱۱۴)

نظیر این روایت یک روایت دیگر نیز مشاهده شد. (ر.ک: کلینی، ۱۴۲۹: ۱۰۳/۱۵)

واژه «الصَّالِحِینَ» در آیه ۶۹ نساء، جمع محلّی به الف و لام و عام بوده و همه صالحان را در بر می‌گیرد؛ اما در دو روایت اخیر بر شیعیان زمان امام صادق علیه‌السلام تطبیق شده است؛ بنابراین جری در این روایت از نوع مصداق عموم آیه در گذر زمان به شمار می‌رود.

دو: از یکی از دو امام باقر علیه‌السلام یا امام صادق علیه‌السلام روایت شده که فرمود: «وقتی امیرالمؤمنین علیه‌السلام در کوفه بود، مردمان نزد وی آمدند و گفتند: ما را پیشوایی قرار ده که در ماه رمضان ما را [در نماز تراویح] امامت نماید. فرمود: نه، و ایشان را از اتفاق نظر در این امر، نهی نمود. چون شب فرا رسید، این گونه سخن پراکندند: به حال رمضان بگریید، وای بر رمضان. آن گاه حارث اعور به همراه عده‌ای نزد امام آمد و گفت: ای امیرالمؤمنین! مردم لابه سر گرفته‌اند و از سخن شما ناخرسندند. این جا بود که امام فرمود: بگذارید هرچه خواهند کنند؛ هرکه را خواهند، امام ایشان گردد؛ و آن گاه فرمود: وَ مَن یُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِن بَعدِ مَا تَبَیَّنَ لَهُ الْهُدَی وَ یَتَّبِع غَیْرَ سَبِیلِ الْمُؤْمِنِینَ نُوَلِّهِ مَا تَوَلَّی وَ نُصْلِهِ جَهَنَّمَ وَ سَاءتْ مَصِیرًا (نساء: ۱۱۵) » (عیاشی، ۱۳۸۰: ۲۷۵/۱)

آیه ۱۱۵ نساء مطلق است و همه کسانی را که با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و مؤمنان به مخالفت می‌ورزند، در بر می‌گیرد؛ اما در روایت فوق بر کسانی که در زمان امیرمؤمنان علیه‌السلام بر خلاف سیره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله خواهان اقامه نماز تراویح به جماعت بودند، تطبیق شده است؛ لذا این جری از نوع مصداق اطلاق آیه در گذر زمان محسوب می‌گردد.

۴-۳. روایات بیان کننده مصداق اتمّ اطلاق یا عموم آیه در زمان نزول

در بسیاری از آیات قرآن واژه‌ها یا عباراتی به صورت مطلق یا عام آمده است که بر مصادیق متعددی تطبیق می‌کنند. در روایات متعددی که ذیل این گونه از آیات نقل شده است به بیان مصداق اتمّ اطلاق یا عموم آیه در زمان نزول پرداخته شده است. منظور از مصداق اتمّ این است که مصداق اطلاق یا عموم آیه، معصوم یا دشمن معصوم باشد. (قهاری کرمانی، ۱۴۰۲ب: ۲۶۱) در ادامه به ذکر این گونه روایات در سوره نساء پرداخته خواهد شد.

یک: از امام صادق علیه‌السلام درباره آیه «فَلاَ وَ رَبِّکَ لاَیُؤْمِنُونَ حَتَّیَ یُحَکِّمُوکَ فِیمَا شَجَرَ بَیْنَهُمْ ثُمَّ لاَیَجِدُواْ فِی أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَیْتَ وَ یُسَلِّمُواْ تَسْلِیمًا» (نساء: ۶۵) چنین روایت شده است: «به خدا سوگند! منظور علی علیه‌السلام است؛ سپس از حکمی که کرده‌ای در دل هایشان احساس ناراحتی و تردید نکنند، یعنی آنچه بر زبان تو ای رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله درباره ولایت علی جاری شد، و در مقابل علی علیه‌السلام کاملاً سر تسلیم فرود آورند.» (کلینی، ۱۴۲۹: ۷۴۴/۱۵)

روایاتی مشابه روایت فوق در منابع روایی وجود دارد. (ر.ک: قمی، ۱۳۶۳: ۱۴۲/۱؛ استرآبادی: ۱۴۰۹: ۱۳۸)

آیه ۶۵ نساء، مطلق است و ظهور در رضایت به همه داوری‌های پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله دارد؛ ولی در روایات فوق بر رضایت به حکم ایشان در مورد تسلیم در برابر ولایت علی علیه‌السلام تطبیق شده است که این جری از نوع مصداق اتمّ اطلاق آیه در زمان نزول محسوب می‌گردد.

دو: از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در مورد آیه «فَأُوْلَئِکَ مَع الَّذِینَ أَنْعمَ اللهُ علَیْهِم مِّنَ النَّبِیِّینَ وَ الصِّدِّیقِینَ وَ الشُّهَدَاء وَ الصَّالِحِینَ وَ حَسُنَ أُولَئِکَ رَفِیقًا» (نساء: ۶۹) سؤال شد، حضرت فرمود: «مراد از نبیّین، من هستم؛ و مقصود از صدیقین، علی بن ابی طالب علیه‌السلام؛ و مراد از شهدا، حسن علیه‌السلام و حسین علیه‌السلام؛ و مقصود از صالحین، حمزه؛ و مراد از حَسُنَ أُولَئِکَ رَفِیقًا، دوازده امامِ بعد از من می‌باشند.» (خزاز رازی، ۱۴۰۱: ۱۸۳)

مشابه روایت فوق روایات دیگری در سایر منابع روایی مشاهده شد. (ر.ک: قمی، ۱۳۶۳: ۱۴۲/۱؛ ابن شهرآشوب، ۱۳۷۹: ۲۸۳/۱ و ۸۹/۳؛ حسکانی، ۱۴۱۱: ۱۹۷/۱ و ۱۹۹؛ کلینی، ۱۴۲۹: ۲۰۰/۳؛ استرآبادی: ۱۴۰۹: ۱۳۸)

واژه‌های «النَّبِيِّينَ وَ الصِّدِّيقِينَ وَ الشُّهَداءِ وَ الصَّالِحِينَ» در آیه مورد بحث، جمع محلّی به الف و لام و عام بوده و همه انبیا، صدیقین، شهدا و صالحان را در بر می‌گیرند؛ اما در روایات فوق بر معصومان علیهم‌السلام و شیعیان آنها تطبیق شده اند. در مواردی که بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، امیرمؤمنان علیه‌السلام، حضرت فاطمه علیهاالسلام، امام حسن علیه‌السلام و امام حسین علیه‌السلام تطبیق شده است؛ چون ایشان در زمان نزول آیه حضور داشتند، جری از نوع مصداق اتمّ عموم آیه در زمان نزول می‌باشد؛ اما در مواردی که بر سایر ائمه علیهم‌السلام تطبیق شده است؛ چون ایشان در زمان نزول آیه حضور نداشتند، جری از نوع مصداق اتمّ عموم آیه در گذر زمان می‌باشد. به علاوه، در مواردی که بر شیعیان تطبیق شده است؛ چون ایشان در زمان نزول آیه حضور داشتند، جری از نوع مصداق عموم آیه در زمان نزول می‌باشد. همچنین در برخی روایات عبارت «وَ حَسُنَ أُولئِکَ رَفِيقاً» بر ائمه علیهم‌السلام یا امام مهدی علیه‌السلام تطبیق شده است؛ از آن جا که عبارت یادشده ظهور در این معنا دارد که «آنان چه نیکو همدمانی اند»؛ این جری از نوع مصداق باطنی آیه در گذر زمان محسوب می‌گردد.

سه: از امام باقر علیه‌السلام درباره آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ لاَتَتَّخِذُواْ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاء مِن دُونِ الْمُؤْمِنِينَ» (نساء: ۱۴۴) روایت شده که فرمود: «ای کسانی که ایمان آورده اید! کافران یعنی دشمنان خدا را به جای مؤمنان یعنی علی بن ابی طالب علیه‌السلام به دوستی خود نگیرید.» (ابن شهرآشوب، ۱۳۷۹: ۹/۲)

واژه «الْمُؤْمِنِينَ» در آیه مورد بحث، جمع محلّی به الف و لام و عام بوده و همه مؤمنان را در بر می‌گیرد؛ ولی در این روایت بر امام علی علیه‌السلام تطبیق شده است؛ لذا جری در این روایت از نوع مصداق اتمّ عموم آیه در زمان نزول به شمار می‌رود.

۴-۴. روایات بیان کننده مصداق اتمّ اطلاق یا عموم آیه در گذر زمان

در بسیاری از آیات قرآن واژه‌ها یا عباراتی به صورت مطلق یا عام آمده است که بر

مصادیق متعددی تطبیق می‌کنند. در روایات متعددی که ذیل این گونه از آیات نقل شده به بیان مصداق اتمّ اطلاق یا عموم آیه در گذر زمان پرداخته شده است. در ادامه به ذکر موارد این گونه روایات در سوره نساء می‌پردازیم.

یک: از امام باقر علیه‌السلام در مورد آیه «إِنَّ اللهَ يَأْمُرُكُمْ أَن تُؤدُّواْ الأَمَانَاتِ إِلَى أَهْلِهَا» (نساء: ۵۸) پرسیده شد، حضرت فرمود: «مراد خداوند ما هستیم، به طوری که امام اول، کتاب‌ها و دانش و سلاحی را که در دست دارد به امام بعد از خود بدهد.» (کلینی، ۱۴۲۹: ج۱، ص۶۸۹)

روایات دیگری شبیه روایت فوق در منابع روایی ذکر شده است. (ر.ک: صفار، ۱۴۰۴: ۴۷۵/۱؛ کلینی، ۱۴۲۹: ۶۹۰/۱؛ نعمانی، ۱۳۹۷: ۵۴؛ عیاشی، ۱۳۸۰: ۲۴۹/۱؛ صدوق، ۱۴۱۳: ۳/۳)

واژه «يَأْمُرُكُمْ» در آیه ۵۸ نساء، مطلق است و ظهور در همه مردم دارد؛ اما در روایات فوق بر ائمه علیهم‌السلام تطبیق شده است؛ لذا جری در این جا از نوع مصداق اتمّ اطلاق آیه به شمار می‌رود. همچنین واژه «الْأَمانات» جمع محلّی به الف و لام و عام بوده و ظهور در همه امانتها دارد، ولی در روایات مذکور بر امانات اختصاصی ائمه علیهم‌السلام تطبیق شده است؛ لذا جری در این بخش از روایت از نوع مصداق عموم آیه در گذر زمان به شمار می‌رود.

دو: از امام باقر علیه‌السلام درباره آیه «إن الّذينَ كَفروا و ظَلَمُوا لم يكُنِ اللهُ لِيغفِر لهم وَ لا لِيهديهُم طَريقاً» (نساء: ۱۶۸) روایت شده است که فرمود: «همانا کسانی که کفر ورزیدند و به ستم، حق خاندان محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله را ستاندند این گونه نیست که خداوند ایشان را ببخشد و به راهی هدایتشان کند.» (کلینی، ۱۴۲۹: ۳۹۲/۲)

نظیر این حدیث از امام صادق علیه‌السلام نیز روایت شده است. (ر.ک: قمی، ۱۳۶۳: ۱۵۹/۱)

عبارت «الذين ظَلَمُوا» در آیه ۱۶۸ نساء، مطلق است؛ اما در این روایات بر کسانی که در حق آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله ظلم کردند تطبیق شده است؛ لذا جری در این روایات از نوع مصداق اتمّ اطلاق آیه در گذر زمان به شمار می‌رود.

سه: از امام باقر علیه‌السلام درباره آیه «فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُواْ وَ عمِلُواْ الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَ يَزِيدُهُم مِّن فَضْلِهِ» (نساء: ۱۷۳) نقل شده که فرمود: «یعنی برای خاندان محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله» (ابن شهرآشوب، ۱۳۷۹: ۴۲۱/۴)

عبارت «الَّذِينَ آمَنُواْ وَ عمِلُواْ الصَّالِحَاتِ» مطلق است و ظهور در همه اهل ایمان و عمل صالح دارد؛ ولی در این روایت بر آل محمد ﷺ تطبیق شده است؛ لذا جری در این روایت از نوع مصداق اتمّ اطلاق آیه در گذر زمان به شمار می‌رود.

۴-۵. روایات بیان کننده مصداق باطنی آیه در زمان نزول

مراد از مصداق باطنی آیه در زمان نزول، مصادیق باطنی آیات هستند که در زمان نزول وجود داشته اند. لازم به ذکر است که مصداق باطنی آیه با مصداق اطلاق یا عموم آیه متفاوت است؛ زیرا مصداق اطلاق یا عموم آیه در حقیقت از اطلاق یا عموم معنای ظاهری آیه، اتخاذ شده؛ اما مصداق باطنی آیه از معنای باطنی آیه استخراج شده است. همچنین مصداق اطلاق یا عموم آیه برای غیرمعصوم نیز قابل تشخیص است، اما تشخیص مصداق باطنی آیه فقط در اختیار معصوم است و اگر بر فرض، غیرمعصوم چنین مصادیقی را بیان کند، فاقد حجیت است. (قهاری کرمانی، ۱۳۹۸: ۷۸) دراین جا به ذکر این گونه از روایات در سوره نساء می‌پردازیم .

یک: از امام صادق علیه‌السلام درباره آیه «يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءكُم بُرْهَانٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَأَنزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُّبِينًا» (نساء: ۱۷۴) پرسیده شد، حضرت فرمود: «برهان، محمد ﷺ و نور، علی علیه‌السلام است. » (عیاشی، ۱۳۸۰: ۲۸۵/۱)

روایات دیگری شبیه روایت یادشده در منابع روایی وجود دارد. (ر.ک: استرآبادی، ۱۴۰۹: ۱۵۰؛ کوفی، ۱۴۱۰: ۱۱۷)

مراد از «بُرْهَانٌ» و «نُورًا مُّبِينًا» در آیه ۱۷۴ نساء، قرآن کریم است؛ ولی در این روایت بر پیامبر ﷺ و امام علی علیه‌السلام تطبیق شده است؛ لذا جری در این روایت از نوع مصداق باطنی آیه در زمان نزول می‌باشد.

دو: از امام صادق علیه‌السلام درباره «صِراطاً مُسْتَقِيماً» در آیه «فَأَمَّا الَّذينَ آمَنُوا بِاللهِ وَ اعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ في رَحْمَةٍ مِنْهُ وَ فَضْلٍ وَ يَهْديهِمْ إِلَيْهِ صِراطاً مُسْتَقيماً» (نساء: ۱۷۵) پرسیده شد، حضرت فرمود: «صراط مستقیم، علی علیه‌السلام است. » (عیاشی، ۱۳۸۰: ۲۸۵/۱)

عبارت «صِراطاً مُسْتَقِيماً» در آیه مورد بحث به معنای راه معنوی است و یک انسان

نمی‌تواند به عنوان مصداق راه معنوی باشد. اما از آن جا که در روایت یادشده از یک انسان - یعنی امام علی علیه‌السلام - به عنوان مصداق صراط مستقیم نام برده شده است؛ لذا جری در این روایت از نوع مصداق باطنی آیه در زمان نزول به شمار می‌رود.

سه: از امام صادق علیه‌السلام در مورد آیه «اعْبُدُوا اللَّهَ وَ لاتُشْرِكُوا بِهِ شَيْئاً وَ بِالْوالِدَيْنِ إِحْساناً وَ بِذِي الْقُرْبَى» (نساء: ۳۶) سؤال شد؛ حضرت فرمود: «همانا رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و علی بن ابی طالب علیه‌السلام والدین هستند، و مراد از ذی القربی حسن و حسین اند.» (کوفی، ۱۴۱۰: ۱۰۴)

روایات دیگری که مضمون آنها شبیه روایت یادشده است در منابع روایی وجود دارد. (ر. ک: عیاشی، ۱۳۸۰: ۲۴۱/۱؛ ابن شهرآشوب، ۱۳۷۹: ۱۰۵/۳؛ کوفی، ۱۴۱۰: ۱۰۴)

جری و تطبیق در این روایات از نوع مصداق باطنی آیه در زمان نزول است؛ زیرا واژه «الوالدین» ظهور در پدر و مادر و «ذی القربی» ظهور در خویشان دارد.

۴-۶. روایات بیان کننده مصداق باطنی آیه در گذر زمان

منظور از مصادیق باطنی آیه در گذر زمان مصادیقی از معانی باطنی آیات هستند که در زمان نزول وجود نداشتند، بلکه در دوران‌های پس از زمان نزول، موجود شده اند. در ادامه به ذکر و تحلیل این روایات در سوره نساء می‌پردازیم.

یک: از امام رضا علیه‌السلام در مورد آیه «وَلِكُلٍّ جَعلْنَا مَوَالِيَ مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالأَقْرَبُونَ وَالَّذِينَ عقَدَتْ أَيْمَانُكُمْ» (نساء: ۳۳) پرسیده شد؛ حضرت فرمود: «منظور ائمه علیهم‌السلام هستند که پیمان‌های شما را به آنها گره زده است.» (کلینی، ۱۴۲۹: ۵۳۷/۱)

عبارت «الَّذِينَ عَقَدَتْ أَيْمانُكُمْ» در آیه ۳۳ نساء در مورد کسانی است که با آنان پیمان «ضمان جریره» بسته می‌شود؛ (ر. ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۳۶۸/۳) اما در این حدیث بر ائمه علیهم‌السلام تطبیق شده است؛ لذا جری در این روایت از نوع مصداق باطنی آیه در گذر زمان به شمار می‌رود.

دو: از امام صادق روایت شده که درباره آیه «انظُرْ كَيفَ يَفْتَرُونَ علَى اللهِ الكَذِبَ» (نساء: ۵۰) فرمود: «اینها همان کسانی هستند که حق خاندان محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله را غصب کردند.» (قمی، ۱۳۶۳: ۱۴۰/۱)

عبارت «یَفْتَرُونَ علَی اللهِ الکَذِبَ» در آیه ۵۰ نساء درباره یهودیان است؛ (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۴۱۳/۳) اما در این حدیث بر غاصبان حق خاندان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله تطبیق شده که این جری از نوع مصداق باطنی آیه در گذر زمان به شمار می‌رود.

سه: از امام باقر علیه‌السلام درباره معنای «ملک عظیم» در آیه «وَآتَيْنَاهُم مُّلْكًا عظِيمًا» (نساء: ۵۴) سئوال شد؟ حضرت فرمود: «یعنی خداوند از خاندان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله امامانی برگزید؛ هر کس از آنها اطاعت کند، خدا را اطاعت کرده است و هر کس از دستورات آنان نافرمانی کند، از خدا نافرمانی کرده است؛ این معنای ملک عظیم است.» (عیاشی، ۱۳۸۰: ۲۴۶/۱)

روایتی شبیه روایت فوق در سایر منابع روایی وجود دارد: (ر.ک: هلالی، ۱۴۰۵: ۷۷۰/۲)

عبارت «مُلْكًا عظِيمًا» در آیه ۵۴ نساء به حکومت حضرت داود علیه‌السلام و حضرت سلیمان علیه‌السلام تفسیر شده است؛ (ر.ک: ۴۲۱/۳) اما در روایات فوق بر امامت ائمه علیهم‌السلام تطبیق شده است؛ لذا جری ذکر شده در این حدیث از نوع مصداق باطنی آیه در گذر زمان به شمار می‌رود.

چهار: از امام صادق علیه‌السلام درباره آیه «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّواْ أَيْدِيَكُمْ وَ أَقِيمُواْ الصَّلاَةَ وَ آتُواْ الزَّكَاةَ فَلَمَّا كُتِبَ عليْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِّنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً وَ قَالُواْ رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ علَيْنَا الْقِتَالَ لَوْلا أَخَّرْتَنَا إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ» (نساء: ۷۷) نقل شده که فرمود: «آیا ندیدی کسانی را که به آنان گفته شد با امام حسن علیه‌السلام دست از جنگ بدارید و نماز را برپا کنید و زکات بدهید؛ ولی همین که کارزار همراه با امام حسین علیه‌السلام بر آنان مقرر شد، گفتند: پروردگارا! چرا بر ما کارزار مقرر داشتی؟ چرا ما را تا مدتی کوتاه تا زمان خروج قائم علیه‌السلام مهلت ندادی؟ زیرا یاری و پیروزی با اوست.» (عیاشی، ۱۳۸۰: ۲۵۷/۱)

نظیر روایت فوق، دو حدیث دیگر در منابع روایی مشاهده شد. (ر.ک: عیاشی، ۱۳۸۰: ۲۵۸/۱؛ کلینی، ۱۴۲۹: ۷۳۲/۱۵)

آیه ۷۷ نساء در مورد مسلمانانی است که در مکه بودند و از پیامبر اذن جهاد خواستند، اما پیامبر اذن نداد؛ ولی هنگامی به مدینه هجرت کردند و پیامبر فرمان جهاد را صادر کرد، آنها از شرکت در میدان جهاد سر باز زدند. (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۴/۴) اما در روایات فوق بر کسانی که از فرمان امام حسن علیه‌السلام و امام حسین علیه‌السلام سرپیچی کردند، تطبیق شده

است؛ بنابراین جری ذکر شده در این روایات از نوع مصداق باطنی آیه در گذر زمان به شمار می‌رود.

پنج: از امام صادق علیه‌السلام روایت شده که فرمود: «به خدا سوگند! خداوند هرگز قرآن را به احدی از خلقش واگذار نکرد، مگر به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و به ائمه علیهم‌السلام؛ زیرا خدای عزوجل می‌فرماید: «إِنَّا أَنزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ» (نساء: ۱۰۵) و مضمون آیه در میان اوصیا علیهم‌السلام نیز جاری است.» (کلینی، ۱۴۲۹: ۶۶۷/۱)

در روایت فوق، آیه ۱۰۵ نساء که درباره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله است بر ائمه علیهم‌السلام تطبیق شده است؛ بنابراین جری ذکر شده در این روایت از نوع مصداق باطنی آیه در گذر زمان به شمار می‌رود.

شش: از امام رضا علیه‌السلام روایت شده که درباره آیه «وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا» (نساء: ۱۴۰) فرمود: «منظور از آیات، جانشینان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله هستند، و مراد از کسانی که کفر ورزیدند، واقفی‌ها هستند.» (کشی، ۱۴۰۹: ۴۵۷)

نظیر این روایت دو حدیث دیگر در منابع روایی وجود دارد. (ر.ک: کلینی، ۱۴۲۹: ۱۲۷/۴ و قمی، ۱۳۶۳: ۱۵۶/۱)

عبارت «آیاتِ اللّه» در آیه ۱۴۰ نساء، ظهور در آیات کتاب آسمانی دارد؛ ولی در این روایات بر ائمه علیهم‌السلام تطبیق شده است؛ لذا این جری از نوع مصداق باطنی آیه در گذر زمان محسوب می‌گردد. همچنین واقفی‌ها که منکر برخی امامان هستند به عنوان مصداق «يُكْفَرُ بِها» مطرح شده‌اند که این جری نیز از نوع مصداق باطنی آیه در گذر زمان به شمار می‌روند.

هفت: از امام باقر علیه‌السلام روایت شده که درباره آیه «وَإِن مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ» (نساء: ۱۵۹) فرمود: «هیچ کس از پیروان ادیان مختلف از اولین و آخرین نیست که بمیرد، مگر آن که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و امیرالمؤمنین علیه‌السلام را بر حق دریابد.» (عیاشی، ۱۳۸۰: ۲۸۴/۱)

شبیه روایت فوق، سه روایت دیگر نیز در تفسیر عیاشی وجود دارد.

ضمیر در عبارت «لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ» در آیه ۱۵۹ نساء به حضرت عیسی علیه‌السلام بر می‌گردد؛ (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۰۴/۴) اما در روایات فوق این ضمیر به پیامبراکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله یا

امیرالمؤمنین علیه‌السلام برگردانده شده است؛ لذا این جری از نوع مصداق باطنی آیه در گذر زمان است.

نتیجه گیری

از تحلیل روایات جری مرتبط با سوره نساء این نتیجه حاصل شد که فراوانی شش گونه روایات جری در این سوره بدین شرح است. یک: روایات بیان کننده مصداق اطلاق یا عموم آیات در زمان نزول (۱ روایت)؛ دو: روایات بیان کننده مصداق اطلاق یا عموم آیات در گذر زمان (۳ روایت)؛ سه: روایات بیان کننده مصداق اتمّ اطلاق یا عموم آیات در زمان نزول (۱۲ روایت)؛ چهار: روایات بیان کننده مصداق اتمّ اطلاق یا عموم آیات در گذر زمان (۹ روایت)؛ پنج: روایات بیان کننده مصداق باطنی آیات در زمان نزول (۸ روایت)؛ شش: روایات بیان کننده مصداق باطنی آیات در گذر زمان (۱۵ روایت). بنابراین بیشترین فراوانی از گونه ششم و کمترین فراوانی از گونه یکم می‌باشد.

فهرست منابع

قرآن کریم.

ابن شهرآشوب، محمدبن علی (۱۳۷۹ق) : «**مناقب آل ابي طالب** علیهم‌السلام »، قم: انتشارات علامه.

ابن منظور، محمد (۱۴۰۸ق): «**لسان العرب**»، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

استرآبادی، علی (۱۴۰۹ق): «**تأويل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة**»، قم: مؤسسة النشر الإسلامي.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۹): «**تسنیم**»، قم: مرکز نشر اسراء.

جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۷ق): «**الصحاح**»، بیروت، دار العلم.

حسكاني، عبيدالله بن عبدالله (۱۴۱۱ق): «**شواهدالتنزيل لقواعدالتفضيل**»، تهران، مجمع إحياء الثقافة الإسلامية.

خزاز رازی، علی بن محمد (۱۴۰۱ق): «**كفاية الاثر فی النص على الائمة الاثنی عشر**»، قم، بیدار.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق): «**المفردات فی غريب القرآن**»، بیروت: دارالعلم.

صدوق، محمدبن علی (۱۴۱۳ق): «**من لايحضره الفقيه**»، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

صفار، محمدبن حسن (۱۴۰۴ق): «بصائرالدرجات»، قم، مكتبة آية الله المرعشي النجفي.

طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰ق): «**الميزان فی تفسيرالقرآن**»، بیروت: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات.

طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵): «**مجمع البحرین**»، تهران: کتابفروشی مرتضوی.
عیاشی، محمدبن مسعود (۱۳۸۰ق): «**تفسیرالعیّاشي**»، تهران: مکتبة العلمیة الاسلامیة.
فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق): «**کتاب العین**»، قم: هجرت.
قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳): «**تفسیرالقمي**»، قم: دارالکتاب.
قهاری کرمانی، محمدهادی، (۱۳۹۸)، «**ماهیت تأویل قرآن در آیات و روایات و بررسی دیدگاه‌های مشهور بر اساس آن**»، پژوهشنامه تأویلات قرآنی، دوره ۲، شماره ۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۸، صص ۶۸-۹۶.
ـــــــــ، (۱۴۰۲ الف)، «**گونه شناسی تحلیلی روایات جری**»، فصلنامه علوم حدیث، دوره ۲۸، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۲، صص ۱۸۶-۲۰۵.
ـــــــــ، (۱۴۰۲ ب)، «**گونه شناسی جری و تطبیق از دیدگاه علامه طباطبایی**»، دوفصلنامه علوم قرآن و حدیث، دوره ۵۵، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۲، صص ۲۵۱-۲۷۴.
ـــــــــ، (۱۴۰۲ ج)، «گونه شناسی تحلیلی روایات جری در نهج البلاغه»، فصلنامه پژوهش‌های نهج البلاغه، دوره ۲۲، شماره ۷۷، صص ۱۶۳-۱۸۰.
ـــــــــ، (۱۴۰۴)، «**گونه شناسی تحلیلی روایات جری (مورد مطالعه سوره آل عمران)** »، دوفصلنامه مطالعات تأویلی قرآن، دوره ۷، شماره ۱۳، پاییز و زمستان ۱۴۰۳، صص ۸۴-۱۰۳.
کشی، محمدبن عمر (۱۴۰۹ق): «**رجال الکشي [إختیار معرفة الرجال]**»، مشهد، مؤسسه نشر دانشگاه مشهد.
کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷ق): «**الکافي**»، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
کوفی، فرات بن ابراهیم (۱۴۱۰ق) «تفسیر فرات الکوفي»، تهران: مؤسسة الطبع وزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامي.
مصطفوی، حسن (۱۳۶۰): «**التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**»، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱): «**تفسیرنمونه**»، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
نعمانی، محمدبن ابراهیم (۱۳۹۷ق): «الغیبة للنعماني»، تهران، نشر صدوق.
نفیسی، شادی (۱۳۹۲): «**مبانی جری و تطبیق از دیدگاه علامه طباطبایی**»، مجله قرآن شناخت، شماره ۱۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، صص ۵-۲۶.
هلالی، سلیم بن قیس (۱۴۰۵ق): «**کتاب سلیم بن قیس الهلالي**»، قم، الهادی.